

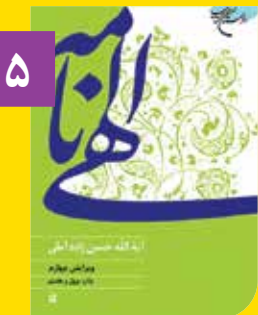
تمهید القواعد



صائن الدين
۱۴۰ صفحه

تصحیح و حاشیه بر تمهید القواعد صائن الدین یکی دیگر از کارهای مهم تصحیحی و تعلیقی علامه حسن زاده آملی است. از نگاه حسن زاده آملی، تمهید القواعد اولین کتاب درسی عرفانی معتبر است که در حد مصباح الانس در عرفان و شواهد الربوبیه و اسفار در حکمت متعالیه است. این تصحیح حاصل تدریس سه دوره تمهید القواعد در حوزه علمیه قم است که همراه با حاشیه نگاری بوده است.

الهی نامه



حسن زاده آملی
۱۰۰ صفحه

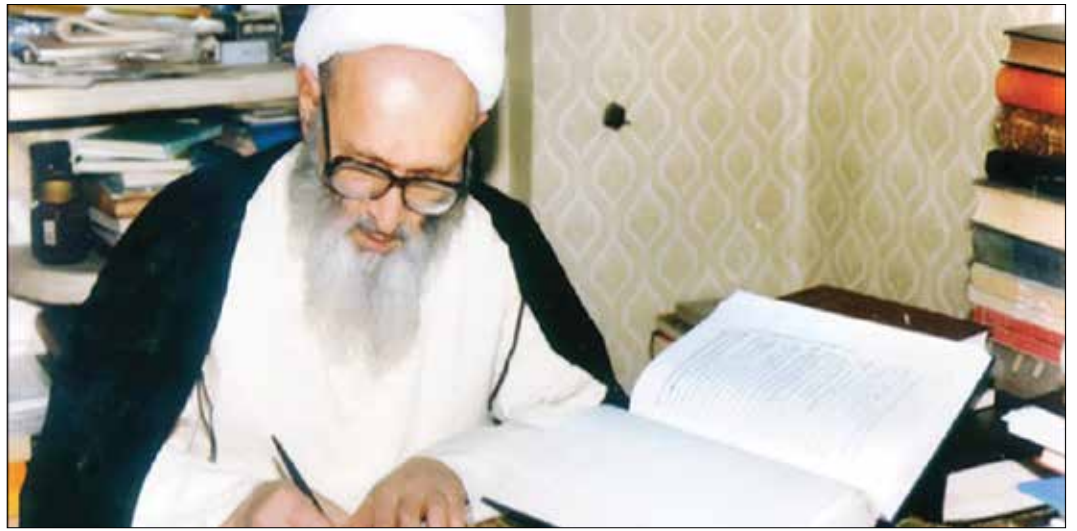
در این اثر که یادآور سخنان و سوزهای خواجه عبدالله انصاری است، از لطیفترین احساس‌های خویش و تجربه‌های درونی در قالب الفاظی متین و استوار و نغز و جاندار، سخن می‌گوید و خوانندگان را با خود به دنیای پاک عارفانه و سیروسلوک خالصانه خویش می‌برد. گوشه‌ای از آن سخنان دلنشین چنین است: «الهی، آن خواهم که هیچ نخواهم، الهی آزمودم تا شکم دایر است دل بایر است.»

اتحاد عاقل و معقول



حسن زاده آملی
۵۳۲ صفحه

این کتاب درباره یکی از مهم‌ترین مسائل حکمی است که فهم بسیاری از معارف قرآنی، در مسیر تکامل انسانی و هضم کثیری از اسرار احادیث و روایات صادره از اهل بیت، بر آن متفرع است. علامه تحقیق جامعی را درباره مسئله اتحاد عاقل و معقول ارائه می‌کند، آن‌گاه به فروعی که خود نسبت به برخی از مسائل اصلند، ولی از مسئله اتحاد عاقل به معقول منشعبند، اشاره می‌کند.



توحید صمدی تعبیر کرده است. گفته شده وی نخستین کسی است که این تعبیر را به کار برده است. او تعبیر توحید صمدی را از واژه صمد در سوره توحید برگرفته است.

شایان ذکر است که آیت‌الله حاج شیخ حسن حسن زاده آملی راه رسیدن به شناخت حقیقی توحید را، راه شهود عرفانی دانسته است. البته حسن زاده آملی به گفته خود، مکاشفاتی داشته است و تعدادی از آنها را در کتاب انسان در عرف عرفان گرد آورده است. آیت‌الله عبدالله جوادی آملی مفسر و فیلسوف شیعه نیز، حسن زاده آملی را عارفی کم‌نظیر خوانده که هم راه عقل و هم راه شهود را پیموده است. او همچنین چله‌نشینی، شب‌زنده‌داری، سحرخیزی و روزه‌داری ماه‌های رجب و شعبان را از سیره‌های عملی حسن زاده آملی شمرده است.

آیت‌الله حاج شیخ حسن حسن زاده آملی فلسفه را تنها در کتاب‌های ملاصدرا خلاصه شده می‌دانست و وقتی از فلسفه نام می‌برد، منظور نظرش فلسفه ملاصدرا بود. در عرفان نیز هیچ‌گاه نتوانست از محبت ابن عربی جدا شود و با امتزاج ملاصدرا و ابن عربی مکتبی بر ساخت که در آن شیعه واقعی همان صوفیه و تصوف حقیقی، همان تشیع بود. اصرار حسن زاده به شیعی اثنی عشری بودن ابن عربی، به‌رغم فقدان سندیت تاریخی را باید از همین رویکرد او فهمید؛ رویکردی که چندان نیز مورد حمایت قرانت رسمی نیست.

غلامرضا اعوانی در کتاب «آفاق فطرت در سپهر فطرت» خاطره‌ای از دیدارش با آیت‌الله حسن زاده نقل می‌کند و می‌گوید: بیست سال پیش بود که برای دیدن آیت‌الله حسن زاده آملی به منزل ایشان رفته بودم. دیدم بسیار گرفته و پریشان حال هستند. علت را که جویا شدم، گفتند «به درس فصوص الحکم من در حوزه اعتراض زیادی کردند و در رسم را تعطیل کرده‌اند.» پرسیدم بعد از آن چه کردید، گفتند: «در رسم را به خانه خودم آوردم ولی اینجا نیز در امان نبودم و مخالفان شیشه‌های خانه‌ام را شکسته‌اند.» بعد از این مخالفت‌ها بود که دایره شاگردانش محدود شد و در سالیان اخیر نیز در روستای زادگاهش، روستای ایرای لاریجان آمل رحل اقامت افکنده بود و حاضر به بازگشت به قم نیز نشد. او پس از مرگ همسرش پیکر او را در همان خانه محل سکونتش در روستای ایرا دفن کرد و وصیت کرده بود که خودش نیز در همان روستا دفن شود و همین‌طور نیز شد و اکنون مدفنش، مرقد عشاق و علاقه‌مندان این حکیم راستین شده است.

کشف المراد علامه حلی را نیز تصحیح کرده بود. نقل است که علاوه بر همه اینها به زبان فرانسه نیز مسلط بوده است. در کنار این همه تحقیق و تشریح و تدقیق، او از تدریس نیز غافل نبوده و در مدت زمان سکونتش در حوزه علمیه قم ۱۴ دوره شرح منظومه، ۴ دوره اشارات، یک دوره اسفار اربعه، و ۴ دوره شرح فصوص قیصری را تدریس کرد. شرح تمهید و مصباح الانس نیز از جمله تدریس‌های اوست. او همچنین حدود ۱۷ سال دروس ریاضیات، هیئت، وقت و قبله را درس داد.

باید اذعان داشت آیت‌الله حاج شیخ حسن حسن زاده آملی بیشترین تاثیر را از ابن عربی و سپس ملاصدرا گرفته بود. فلسفه ملاصدرا را نیز محملی برای نظریه وحدت وجود ابن عربی می‌دانست. او فلسفه و عرفان اسلامی را در مسیر واحدی می‌دید و دین، فلسفه و عرفان را یکپارچه می‌دانست. حسن زاده آملی مخالف محمدرضا حکیمی و دعاوی مکتب تفکیک بود و ادعای «یونانی بودن فلسفه اسلامی» را رد می‌کرد و معتقد بود که اندیشه‌های فلاسفه پیش از اسلام سطحی بوده و فیلسوفان اسلامی این اندیشه‌ها را عمق بخشیده‌اند. در بیانی دیگر به باور حسن زاده آملی، دین، فلسفه و عرفان، با هم هماهنگ‌اند. او ادعای یونانی بودن فلسفه اسلامی را نادرست می‌داند و معتقد بود فیلسوفان مسلمان، اندیشه‌های فلاسفه پیش از اسلام را عمق بخشیده‌اند. به گفته سیدیدالله یزدان‌پناه، از شاگردان وی، حسن زاده بیشترین تاثیر را از ملاصدرا و ابن عربی پذیرفته است.

آیت‌الله حاج شیخ حسن حسن زاده آملی بیشترین تاثیر را از ابن عربی و سپس ملاصدرا گرفته بود. فلسفه ملاصدرا را نیز محملی برای نظریه وحدت وجود ابن عربی می‌دانست. او فلسفه و عرفان اسلامی را در مسیر واحدی می‌دید و دین، فلسفه و عرفان را یکپارچه می‌دانست.

وی برای نخسین بار از وحدت شخصی وجود به توحید صمدی تعبیر کرده و برای اثبات آن از واژه صمد در سوره توحید بهره برده است. علامه حسن زاده معتقد است وجودی غیر از وجود خدا نیست و آنچه به آن مابوسی‌الله (غیر خدا) گفته می‌شود، مظهرهای او (جای آشکار شدن او) هستند؛ البته او تاکید می‌کند خالق خالق است و مخلوق مخلوق، و خالق از هر عیب و نقصی پاک است. او برای روشن شدن موضوع، به دریا و موج‌های آن مثال می‌زند که موج همان دریا نیست ولی جدا و غیر از دریا هم نیست. او بر اساس برخی روایات، بر این باور است که جدا بودن مخلوقات از خدا مانند جدا بودن شیء مادی از شیء مادی دیگر نیست؛ بلکه خدا با صفت قهر و قدرت خود و مخلوق با صفت نقص خود از یکدیگر جدا هستند. به گفته حسن زاده آملی برداشتی از وحدت وجود که در آن مخلوقات وهم و خیال دانسته شده، نادرست است. او از وحدت شخصی وجود به